

ایستگاه دیدار

آقای بهارلو

در برنامه ایستگاه دیدار موضوعی بوسیله آقای بهارلو مطرح شد که نیاز به توضیح دارد.

کلام ایشان متوجه تصمیم اخیر دولت آمریکا در سرخگیری ورود اهالی برخی از کشورهای از جمله ایران برای ورود به آمریکا بود، و اظهار شد آمریکا با داشتن وسائل کسب اطلاعات دقیق با آنکه میداند که ایرانیان در فعالیت های تروریستی دخالتی ندارند چرا چنین محدودیت ها و اتهام بسیار سنگین تروریستی را متوجه ایرانیان کرده است؟



اظهارات آقای بهارلو در رابطه با ایرانی بودن ایشان و اینکه این صفت ایرانی است که بهر حال مدافع حقوق ایرانی و کشورش باشد قابل تمجید است، ولی در حقوق سیاسی و روابط بین کشورهای اعتراض ایشان موجه بنظر نمیرسد و توضیحات زیر را پذیراست:

****** کشورهای مانند افراد دارای هویت هستند که هویت آنها از قانون اساسی آن کشور شناخته میشود. اینکه کشوری مانند ایران مهد تمدن بوده است و اولین ملتی بوده که به استقبال از حقوق بشر شتافته است و امثال آنها شناسنامه فرهنگی و تاریخی ملت ماست؛ اما وضع کنونی کشور و ملت ما آن چیزی است که از نظر حقوق سیاسی بین الملل معرف هویت کشور و ملت ماست.

مقصود از وضع کنونی، وضعیتی است که حکم اجرایی و اصالت آنرا قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر و بتائید مردم رسیده است.

درست است که ایرانیان ذاتا بسیار هم مردم دوست هستند و تاریخ هم چنین گواهی هائی را دارد و جهان آزاد هم شاهد رفتار ایرانیان و دولت ایران قبل از شورش ۵۷ بوده اند و قانون اساسی مشروطه آنها هم همان حالت انسان دوستی و عدم تجاوز به حقوق دیگران را قید کرده بود ولی اکنون سند هویت سیاسی ایرانیان از داستان دیگری حکم میدهد و آن غلبه ایرانیان بر ملتهای غیرمسلمان (غیرتشیع) و اجبار و الزام غیرمسلمانان به قبول اسلام است؛ که در قانون اساسی جمهوری اسلامی دقیقا بصورت تکلیف دولت با رای اکثریت ملت ایران درآمده و مهمتر از آن برای اینکه این داستان یک اشاره شرعی تلقی نشود ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران با موشکهای بالستیک و شهرهای زیرزمین و فعالیت های اتمی هم ماموریت صادر کردن انقلاب اسلامی به تمام کشورهای کفرشده اند.

اشتباه نشود همه ما ایرانیان که تابعیت ایران را داریم متاسفانه شریک هویت سیاسی جمهوری اسلامی هستیم یعنی خواهان صدور اسلام به همه کشورهای کفرمیباشیم. تصدیق میفرمائید که این

اقدام که هویت سیاسی یکایک ماست بمراتب مهمتر از یک عمل تروریستی که احتمالاً حد اکثر چند نفر گذشته شوند میباید.

بنابراین چه ایرادی هست به کشورهای خارجی که برای ورود ما که هویت سیاسی مان کشتار مردم همه کشورهای جهان است سختگیری های لازم را بکنند؟

مثالش روشن است، کسی که سابقه سرقت دارد و در سجل جزائی او سابقه او ذکر شده است معلوم است که افراد در استخدام او بسیار احتیاط میکنند و اساساً نه استخدامش میکنند و نه به کارگاه راهش میدهند.

ایرانیان بدون اینکه خودشان ملتفت باشند در شناسنامه سیاسی آنها مهر بزرگ کشتار غیرمسلمانان جهان مگرتسلیم آنها به اسلام و یا جزیه دادن نوشته شده است.

هنگامی که یک ایرانی تقاضای ویزا میکند یکی از سوالات، تابعیت متقاضی است.

مقصود از تابعیت پیروی و تابع بودن شخص از دولت است و مقصود از تبعیت از دولت تبعیت از قانون اساسی آن کشور است.

ایرانیان با رای به قانون اساسی شورشیان ۵۷ هویت سیاسی خودشان را از مشروطه خواهی به حکومت اسلام جهانی تبدیل کرده اند که لازمه آن جنگ و کشتار و خونریزی است که پدرد ترو و تروریستی است.

حال اگر آمریکا و یا هر کشوری در دادن ویزای ورود به ایرانیان احتیاط و یا سختگیری کند چه اعتراضی به آن کشور وارد است؟ تصور نمیشود.

شاید تشبیه حاضر بتواند پاسخ سوال بالا را بدهد کسی را مجسم کنید که پلاک بزرگی روی سینه او آویخته و نوشته شده <من هر کسی که مسلمان نباشد میکشم و یا باید مسلمان شود> آیا اگر از ورود آن شخص به کشور ممانعت شود کارخلافی صورت گرفته است؟ اگر روی سینه ایرانیان چنین پلاکی نصب نشده ولی در گذرنامه آنها در کلمه هویت آنها که کلمه جمهوری اسلامی نوشته شده همان معنای نصب پلاک سینه را میدهد.

حاکمیت

به حکم قانون اساسی جمهوری اسلامی و مبانی اسلام ایرانیان زیر لوای جمهوری اسلامی فاقد حق حاکمیت هستند؛ در حالیکه در جامعه حقوقی بین المللی انسان بدون حق حاکمیت وجود ندارد و اساساً میتوان گفت که در جامعه حقوقی انسان فاقد حق حاکمیت انسان نیست.

در این صورت اگر دولتی احتیاط کند که موجوداتی که از نظر فیزیکی شبیه انسان هستند ولی از نظر حقوق انسانی فاقد آن حقوق میباشند و در نهایت یک موجود عجیب و ناشناخته ای هستند چه ایرادی به آن دولت ها وارد است؟

نعمت است

شاید بتوان اقدام دولت آمریکا در سختگیری ورود ایرانیان به آمریکا را یک نعمتی تلقی کرد تا ایرانیان بفهمند که کار نابخردانه نکنند و مانند گله گوسفند بهرجا و مقامی که آنها کوچانده شوند نروند و ایرانیان

متوجه شوند که مهمترین تکلیف آنها براندازی جمهوری اسلامی غاصب و برگشت به هویت ملی که **نظام پادشاهی مشروطه سیهر آنرا درخشان ساخته بود، میباشد.**

دفاع ایرانیان

ایرانیان در مقابل این تعرض خارجیان از جمله آمریکا، به یک دفاع قابل قبول و منصفانه مجهزند و اینکه چرا بعضویت جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد که هویت سیاسی جمهوری اسلامی کاملاً متضاد با منشور سازمان ملل است اعتراض نمیکند و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان ملل و یا اصلاح هویت سیاسی اش نمیشوند.

با این ویا آن

این ایراد احتمالی ایرانیان وارد است که اگر جمهوری اسلامی یک کشور تروریستی شناخته میشود که قانون اساسی آن نیز برخلاف و کاملاً متضاد با منشور سازمان ملل تدوین شده است، عضو سازمان ملل میباشد؛ عضویت جمهوری اسلامی در سازمان ملل دلیل کافی است که ایرادات آمریکا و سایر کشورها به موقعیت تروریستی جمهوری اسلامی وارد نیست و لذا آمریکا و سایر کشورها نباید قائل به تزییقاتی نسبت به ایرانیان برای ورود به کشورشان باشند **و اگر آمریکا و سایر کشورها**

قائل به موقعیت تروریستی جمهوری اسلامی و آرمان صدور انقلاب اسلامی به

کشورها هستند نمیتوانند با عضویت چنان کشور سرکشی هم عضو در سازمان ملل

باشند یا این و یسا آن